

شماره ۶۷۹۵۶
۱۴۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِالْهُدَى

سینمای استراتژیک

مجتبی نیک رهی

مسئودار علی محمدی



انتشارات نظری

سرشناسه : نیک رهی ، مجتبی / ۱۳۶۵
 عنوان و نام پدیدآور : سینمای استراتژیک / مجتبی نیک رهی - محمدفاضل محمدی
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : ۳۳۶ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۸۸۵-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : سینما - جنبه های سیاسی - نقد و تفسیر
 شناسه افزوده : محمدی ، محمدفاضل ، ۱۳۷۳
 رده بند کنگه : ۱۳۹۶ س ۹ / PN۱۹۹۵
 رده بندی یویی : ۷۹۱/۴۳۷۵
 شمار کتابشناسی ملی : ۵۰۳۴۴۹۸

نام کتاب : سینما ، استراتژیک
 نویسنده : مجتبی نیک رهی - محمدفاضل محمدی
 ویراستار : بهنام شیخی
 طراح جلد : فائزه حسینیان
 نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۷
 شمارگان : ۵۰۰

« کلیه حقوق مادی ، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشی می باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج) ، خیابان سید جمال‌الدین
 اسدآبادی (یوسف آباد) ، نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار
 پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

E-mail: nazariibook@yahoo.com

www.nashrenazari.com

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

قیمت : ۳۰۰۰۰۰ ریال



انتشارات نظری

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۴.....	فصل اول: تعریف و تاریخچه سینما در ایران
۱۳.....	گفتار اول: تعریف سینما
۲۱.....	گفتار دوم: نگاهی به تاریخ مختصر سینما در ایران
۲۷.....	گفتار سوم: روزگار سینمای ایران
۶۳.....	فصل دوم: سینمای استرلینگ
۶۹.....	گفتار اول: بررسی ابعاد مختلف حضور سینما در ناتوی فرهنگی
۷۷.....	فصل سوم: سینما و تهاجم فرهنگی
۸۳.....	گفتار اول: فرهنگ و تهاجم فرهنگی
۹۱.....	گفتار دوم: رسالت سینما در ایران
۱۰۵.....	گفتار سوم: سینما و ایجاد تصویر وارونه از اسلام و مسلمانان
۱۱۷.....	گفتار چهارم: راز حفظ بقا عوامل سازنده فیلم های تولیدی غرب
۱۲۵.....	گفتار پنجم: سینما، ابزار ایدئولوژیک
۱۳۲.....	گفتار ششم: سینمای غرب و ترویج شیطان پرستی
۱۳۷.....	گفتار هفتم: سینمای غرب و موعودگرایی
۱۴۵.....	گفتار هشتم: جایزه اسکار و سیاست های حاکم بر آن
۱۴۹.....	گفتار نهم: سینمای غرب و پیامبران الهی
۱۷۱.....	فصل چهارم: سینما غرب و صهیونیسم
۱۸۱.....	گفتار اول: سینما غرب و مسئله فلسطین

فصل پنجم: سینمای غرب، ابزار سیاست‌های استعمارگران	۱۸۹
فصل ششم: بررسی و نقد ۱۷ فیلم سینمایی تولید غرب	۱۹۵
گفتار اول: فیلم سینمایی کتاب آفرینش	۱۹۵
گفتار دوم: فیلم سینمایی ایندیانا جونز و آخرین جنگ صلیبی	۲۰۳
گفتار سوم: فیلم سینمایی پیانیست رومن پولانسکی	۲۱۳
گفتار چهارم: فیلم سینمایی سرزمین و آزادی	۲۱۹
گفتار پنجم: فیلم سینمایی تولد یک ملت	۲۲۳
گفتار ششم: فیلم سینمایی خرقة	۲۳۱
گفتار هفتم: فیلم سینمایی اکایدوس	۲۳۷
گفتار هشتم: فیلم سینمایی سانسور در دلیله	۲۵۳
گفتار نهم: فیلم سینمایی باراباس	۲۵۹
گفتار دهم: فیلم سینمایی زندگی زیباست	۲۵۹
گفتار یازدهم: فیلم سینمایی عیسی	۲۶۵
گفتار دوازدهم: فیلم سینمایی قیام شیطان هیتلر	۲۸۱
گفتار سیزدهم: فیلم سینمایی نجات سرباز وظیفه رایان	۲۸۹
گفتار چهاردهم: فیلم سینمایی ده فرمان	۲۹۱
گفتار پانزدهم: فیلم سینمایی ارباب حلقه‌ها	۳۰۳
گفتار شانزدهم: فیلم سینمایی رمز داوینچی	۳۰۳
گفتار هفدهم: نقد فیلم‌های سینمایی چارلی چاپلین	۳۰۹
فصل هفتم: جمع‌بندی مباحث	۳۱۹
فهرست منابع	۳۲۹

مقدمه

سینما از همان روزهای اول با هدف سرگرمی یا به عرصه گذاشت اما دیری نشد که استعداد نافذ سرگرمی بودن رسانه ها قدرت ها را متوجه خود کرد و از آن پس سینما با حفظ ظاهر سرگرم کننده خود در بردارنده مفاهیم و پیامهای گروه هایی خاص شد.

سینمای سیاسی جزو واژه های آشنایی است که اهداف سیاسی را بر سینما وارد کرده است. همچنین سینمای پلیسی و جنگ نیز از جمله ژانرهایی هستند که اهداف سیاسی سفارش دهندگانشان را دنبال می کنند. در تمام این تحلیلها بخشی از سینما که به ساده پسنندترین و در نتیجه نافذترین گونه سینمایی است، یعنی همان فیلمهای سرگرمی، خانوادگی و کارتونها و... معمولاً بی طرف در نظر گرفته شده اند و سینمای سیاسی را محدود به فیلمهایی می کنند که پیام مستقیمی از سیاستمداران را اشاعه می دهند.

اما با دقتی فراتر از نقدهای معمول سینمایی و نگاهی به این حوزه، نه از موضع اندرون این قاب، که از جایگاهی فراتر و راهبردی تر، ما را به این مهم رهنمون می کند که سینما در همه ی

گونه های خود، اغلب اهدافی راهبردی و استراتژیک را دنبال می کند که خاصه سینمای ایالات متحده در این مورد حساب شده تر و استراتژیک تر عمل می کند.

واژه "استراتژی" امروز به علم بقا تعریف شده و دانش استراتژی همه آن روش هایی است که شما به کار می برید تا بقای یک تمدن یا کشور تضمین شود. اگر با این دید نگاه کنیم سینمای استراتژیک سینمایی است که با هدف بقای یک جامعه کار می کند.

این بقا می تواند بقای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و دینی یا حتی بقای ایدئولوژیک باشد که هر کدام از این ها می تواند در مفهوم سینمای استراتژیک بگنجد. سینمای امنیتی و بالاتر از آن سینمای استراتژیک سینمایی است که در بقای یک تمدن، بقای یک کشور و یک جامعه، ضعف ها و آسیب ها را پوشش می دهد و متقابلاً تهدیدها را هم می شناسد و خنثی می کند، این یک بخش دفاعی است.

در رویکرد دوم، سینمایی استراتژیک است که آسیب ها و ضعف های جامعه و تمدن دشمن و حریف را می شناسد و تبدیل به تهدیدی می شود برای آن آسیب ها. شما دو نفر را در نظر بگیرید که نفر اول می خواهد به نفر دوم ضربه بزند و او با دبو، کنا، او اول لیستی از آسیب ها و ضعف های دومی را تهیه می کند، از طریق آن آسیب ها شروع به کار می کند. به مرور تهدید را نسبت به او اعمال می کند. او نیاز به نوشیدن آب دارد این سعی می کند از طریق مسدود کردن آب او را آلوده کند. نیاز به استنشاق هوا دارد از طریق آلوده کردن هوا او را نابود می کند. نیاز به خوردن غذا دارد، از طریق آلوده کردن مواد غذایی به او صدمه بزند. سینمای استراتژیک آسیب ها و ضعف های طرف مقابل را می شناسد و با تهدید و کنترل او اهداف خودش را پیش می برد. ریشه این نوع سینما را باید از سیمصد سال پیش در ادبیات استراتژیک جستجو کرد که مبدع آن نیز انگلیسی ها بودند.

سینمای استراتژیک سینمایی است که در بقای یک تمدن و بقای یک کشور و جامعه، ضعف ها و

آسیب ها را پوشش می دهد و متقابلاً در حالی که این ضعف ها و آسیب ها را پوشش می دهد، تهدیدها را هم خنثی می کند.

هر قدر بازار سرمایه تصویری گسترش یافته، به همان میزان، انحصاری نیز شده است. صنعت فیلم سازی آمریکا، به طور متوسط، برای هر فیلم سینمایی ۵۹ میلیون دلار هزینه می کند. اروپاییان و هندی ها حتی نمی توانند به این مبلغ نزدیک شوند فیلم های آمریکایی، از نظر فناوری و تجهیزات، معارهای جدیدی پدید آورده و چنان پرهزینه و پیچیده اند که دیگران به ندرت توانایی رفاقت دارند. به این ترتیب، جاذبه هالیوود و دیزنی پیوسته فزونی می یابد.

بودجه های کلان هر روزه در حرف این می شوند تا طبق یک سناریوی از پیش تعیین شده، یک فرهنگ خاص را به عنوان "است فرنگ سرمایه داری" در تمامی اطراف و اکناف جهان، توزیع کنند. این یک برنامه مهم است که برای "امپریالیسم فرهنگی" نقش مهمی دارد. این ایده یعنی همان که یک فرهنگ یگانه و مسلط بر فرهنگ های آسیب پذیر دیگر تاثیر گذارد، قضیه نسبتاً ساده ای است اما از طرف دیگر جهان بینی امپریالیسم فرهنگی در واقع حاوی مجموعه ای نسبتاً پیچیده، مبهم و متناقض است.

در حقیقت امپریالیسم فرهنگی متشکل از شماری از گفتمان های مجاز است که پیرامون محور سلطه، تشکیل می شود. سلطه آمریکا بر اروپا، سلطه غرب بر سایر نقاط جهان، سلطه مرکز بر پیرامون، سلطه جهان مدرن بر جهان سنتی به سرعت ناپدید شونده، سلطه سرمایه داری بر تقریباً هر چیز و هر کس. تمامی این ها به این خاطر رخ می دهند تا به یک آرزوی دیرینه دست یابند و برای تحقق این آرمان از هر ابزاری بهره برده و در بسیاری از موارد با موفقیت مواجه شده اند. هدف الحاق تمام فرهنگ های ملی به نظام اقتصادی سرمایه داری جهانی یک فرهنگ فراگیر است.

رسانه ها در بازاریابی جامعه مدرن، نقش محوری دارند و گزینه های انتخاب ما را مشخص

کرده و سبک های زندگی را به ما معرفی می کنند. رسانه الگوهای رفتاری را به افراد دیکته می کند و قادر است به طور نامحسوس و ملایمی به تغییر و تحول این الگوها بپردازد. سوال اینجاست که در شرایطی که حاکمیت رسانه ها در دنیا به بالاترین میزان خود رسیده است، آیا بهتر نیست به گونه دیگری به غنی سازی و تقویت این ابزار پرداخته شود تا به بهترین نحو ممکن به باز تولید و احیای فرهنگ خودی بپردازد و یا اینکه حداقل محصولاتی را ارائه کند که تا حدودی قادر به مقابله با این هجمه عظیم جهانی باشد.

با توجه به اینکه حدود هشتاد درصد اطلاعات ما از طریق بینایی به دست می آید نقش رسانه های تصویری در فرهنگ جامعه به خوبی روشن می شود. از طرفی فقدان فرهنگ مطالعه مخصوصاً در کشور ما نقش و اثرگذاری رسانه های صوتی و تصویری را چند برابر کرده است. در سال ۲۰۰۰، هزاره گرایان^۱ میل به همایش های متعددی برپا کردند. سندرم ۲۰۰۰ فراگیر شد و جامعه شناسان، از ظهور جری هزار ای خبر دادند. نقل مکان به مکان های خاص، خودکشی های دسته جمعی و ظهور ده ها مسیح و مهدی ساختگی، در این سال گزارش شد. مکاتب انتظار^۲، در میان مسیحیان، اقبال یافتند. کاشفان به جست و جوی دجال، سفیانی و سید حنی و دیگر چهره های آخرالزمان براساس متون یهودی، مسیحی و اسلامی، در میان چهره های سیاسی جهان پرداختند، ده ها فیلم آخرالزمانی دینی و خواه آخرالزمانی های طبیعی، تکنولوژیک، علمی - تخیلی و اسطوره ای که پایان جهان را ناشی از حمله موجودات فکشیایی، مشکلات محیط زیستی یا نافرمانی صنایع بشری می دانند، ساخته شد.

فیلم هایی مثل ماتریکس، ترمیناتور، ارباب حلقه ها، مومیایی، بازگشت مومیایی، عقرب شاه، بیگانه، روز استقلال، گودزیلا، عنصر پنجم، جنگ ستارگان، پایان روزگار، برخورد عمیق، قله دانته و... شاهد انسجام و قدرت یافتن یهودیانی است که چشم به راه ظهور مسیح اند. همین طور

^۱ millennialists

^۲ messianism

مسیحیان راست گرایی که بازگشت مسیح را انتظار می کشند و مسلمانانی که موعود آل محمد را به انتظار نشسته اند و زردشتیان و هندوانی که بنابر باورهای خویش، زمانه را با آن چه درباره آخرالزمان شنیده اند، هماهنگ می یابند. در آمریکا اقبال شدید به امور مذهبی مشاهده می شود.

جورج بوش پسر مردی لائیک است. بنابر ادعای خودش در یکی از صبح های سال ۱۹۹۵، شاهد حلول روح القدس در خود بوده و ایمانش را تجدید کرده است. او به جریان راست گرایان افراطی مسیحی و یهودیان اصولگرای صهیونیست می پیوندد و از حمایت پروتستان های بنیادگرا بهره مند می شود. وی بنابر باورهای دینی و باور عمیق به فرا رسیدن آخرالزمان، عبارت های «عدالت بی پایان» و «جنگ عیسی دوم» را به کار برده و اولین رئیس جمهور بنیادگرا، از میان راست گرایان افراطی مسیحی است.

هالیوود سالانه نزدیک به ۷۰۰ فیلم سینمایی تولید می کند که افزون بر درآمد هنگفت، نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار سود خالص، ۷۸ درصد بیمه و تایزیه های دنیا را نیز تغذیه می کند. غرب از ابزار رسانه تا جایی که توانسته است علیه جمهوری اسلامی استفاده کرده است. به عنوان نمونه فیلم هایی مثل «بدون دخترم هرگز»، «سربازان آیت الله»، «مستند ترس مقدس»؛ «۳۰۰»، «اسکندر» (۲۰۰۴)؛ «پرسپولیس»؛ «سنگسار ثریا» (۲۰۰۸) را نام برد.